

# توزیع قدرت در شبکه روابط نخبگان سیاسی ایران پس‌انقلاب: با تأکید بر شبکه روابط اعضای هیئت دولت‌های هفتم تا دهم\*

زینب حسن‌پور درودگر<sup>۱</sup>، علی ساعی<sup>۲</sup>، سوسن باستانی<sup>۳</sup>  
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۲)

## چکیده

مسئله این پژوهش ناظر بر توزیع قدرت در شبکه روابط نخبگان سیاسی در ایران پس‌انقلاب است. دستگاه نظری تحقیق معطوف به بررسی توزیع قدرت سیاسی است. به لحاظ تجربی نیز با بهره‌مندی از رویکرد روشی تحلیل شبکه، ساخت شبکه روابط و نوع توزیع قدرت در میان نخبگان سیاسی بررسی شده است. در این مطالعه ساخت شبکه قدرت ناظر بر قوه مجریه و اعضای هیئت دولت‌های هفتم تا دهم است. شواهد تجربی این مطالعه بیانگر آن است که ساختار شبکه روابط نخبگان سیاسی در تمامی دولت‌های مورد بررسی از انسجام و تراکم بالایی برخوردار بوده است. داده‌های موجود دلالت بر آن دارد که آشنایی و وجود ارتباطات مشترک نقش مهمی در تحرک سیاسی و دستیابی به قدرت در میان نخبگان داشته و در این میان پیشینه روابط کاری برآمده از ریشه‌های آشنایی تاریخی در مبارزات انقلابی و جنگ بیش از انواع دیگر ارتباطات، در شکل‌گیری شبکه روابط نخبگان سیاسی نقش داشته است. روند ساخت شبکه روابط نیز نشان از تمرکزگرایی بیشتر در دولت‌های هشتم و دهم، به ویژه در روابط حزبی دارد که حاکی از شکل‌گیری احزاب دولتی است. نکته مهم اما آن است که برغم تجانس و همسان‌گزینی بالا در شبکه روابط نخبگان سیاسی، ساختار شبکه روابط دولت‌ها، فضای دو قطبی در ساحت سیاسی جامعه ایران را بازنمایی می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** توزیع قدرت، تراکم قدرت، نخبگان سیاسی، شبکه روابط، رویکرد تحلیل شبکه.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jss.2024.2008775.1786>

\* علمی - پژوهشی

<sup>۱</sup>. دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

[z.hassanpour@modares.ac.ir](mailto:z.hassanpour@modares.ac.ir)

[saeia@modares.ac.ir](mailto:saeia@modares.ac.ir)

[sbastani@alzahra.ac.ir](mailto:sbastani@alzahra.ac.ir)

<sup>۲</sup>. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس؛

<sup>۳</sup>. استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء؛

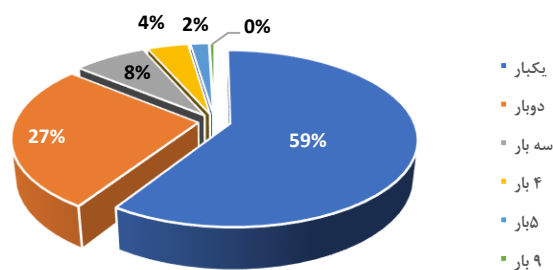
## مقدمه و بیان مسئله

موضوع این پژوهش ناظر بر توزیع قدرت سیاسی در شبکه روابط نخبگان سیاسی ایران پس‌انقلاب است. به لحاظ نظری می‌توان برای توزیع قدرت سیاسی دو بُعد توزیع متراکم و توزیع پراکنده قدرت<sup>۱</sup> را تعریف کرد. توزیع متراکم ناظر بر انباشت منابع ارزشمند و کمیاب (قدرت سیاسی، ثروت اقتصادی و منزلت اجتماعی)، در مواضع راهبردی و بانفوذ (چلبی، ۱۳۸۹) و پراکندگی قدرت دلالت بر وضعیتی دارد که در آن منابع قدرت بطور وسیع در میان گروه‌های مختلف جامعه توزیع شده باشد، به طوری که هیچ گروه یا کنشگر سیاسی قادر به سرکوب رقبا نباشد و شرایط مطلوب برای دموکراسی فراهم باشد (ونهانن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷). مدعای این پژوهش ناظر بر این واقعیت است که توزیع قدرت سیاسی در ایران متراکم و در انحصار گروه محدودی از نخبگان است. از دلالت‌های مصداقی این مدعا می‌توان به انحصار قدرت در دست برخی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی، ماندگاری بلند مدت در پُست‌های کلیدی و تکرار دفعات حضور نخبگان در پُست‌های مهم سیاسی اشاره کرد. در باب اثبات این مدعا شواهدی از قوه مجریه ارائه می‌شود: پس از انقلاب ۱۳۵۷ انحصار قدرت در دست برخی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی مانند حزب جمهوری اسلامی، مؤتلفه اسلامی، جامعه روحانیت مبارز، مجمع روحانیون مبارز و کارگزاران سازندگی در قوه مجریه بوده است؛ به گونه‌ای که حزب جمهوری اسلامی با ۵۴، حزب روحانیون مبارز با ۱۷ و کارگزاران سازندگی با ۲۱ نفر دارای بیشترین سهم از پُست‌های ریاست جمهوری و وزارت از ابتدای تشکیل دولت موقت تا دولت دهم بوده‌اند (ساعی، ۱۴۰۰). ماندگاری بلند مدت و تداوم فعالیت اعضای کابینه در سطوح بالای سیاسی از جمله وزارت و حضور افراد مشترک در کابینه دولت‌ها از دیگر شواهد تراکم قدرت است. از مجموع نخبگان سیاسی دولت، بیش از ۴۰٪ بیش از یکبار در قوه مجریه دارای مناصب سیاسی بوده‌اند (نمودار ۱).

<sup>۱</sup> Dispersed and Concentrated power

<sup>۲</sup> Rivals or Opponents

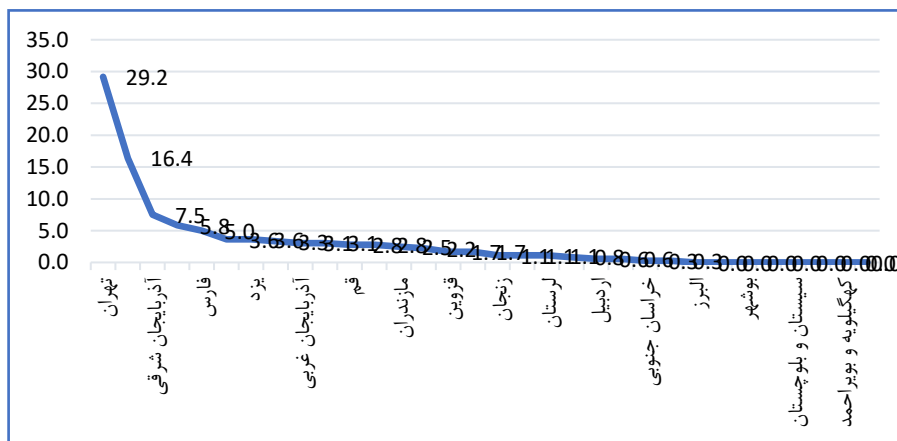
<sup>۳</sup> Vanhanen



نمودار ۱: درصد دفعات حضور در دولت‌ها (۱۳۵۸-۱۳۹۸)

درصد اندک حضور زنان در پُست‌های سیاسی و کلیدی از دیگر شواهد اثبات این مدعا است. بر اساس شواهد موجود، در مجموع ۳ درصد سهم حضور در کابینه دولت‌ها از ابتدای انقلاب متعلق به زنان بوده است که در کابینه دولت‌های هفتم تا سیزدهم محقق شده است و در این میان تنها یک زن در دولت دهم به عنوان وزیر انتخاب شده است.

توزیع نامتوزان قدرت منطقه‌ای در دولت‌ها نیز از دیگر شواهد مربوط به تراکم قدرت در ساختار قوه مجریه است. بر اساس شواهد، استان‌های بزرگ از جمله تهران، اصفهان و آذربایجان شرقی بیشترین سهم از پُست‌های وزارت را داشته‌اند که نشان‌دهنده قطبی شدن منطقه‌ای انتخاب دولتمردان است (نمودار ۲).



نمودار ۲: سهم استان‌ها از قدرت سیاسی کابینه دولت‌ها (دولت موقت تا دولت دوازدهم)

این مطالعه به بررسی نحوه توزیع قدرت در ساختار شبکه روابط نخبگان قدرت سیاسی پرداخته است؛ بدین منظور با بهره‌مندی از رویکرد تحلیل شبکه، نحوه توزیع و میزان تمرکز در ساخت شبکه روابط نخبگان سیاسی بررسی خواهد شد. تحلیل شبکه روابط نخبگان سیاسی نشان می‌دهد که ساختار قدرت به چه میزان متمرکز<sup>۱</sup> و یا پراکنده<sup>۲</sup> است؛ کدام گروه‌ها و طبقات در کدام عرصه‌ها، قدرت دارند و تغییر قدرت گروه‌ها در طول زمان چگونه است (دام‌هوف<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰؛ ۲۰۰۵). همچنین بررسی ساختار شبکه‌روابط در میان نخبگان قدرت؛ شاخه‌ها و زیرشاخه‌های ارتباطی درون شبکه‌روابط نخبگان سیاسی؛ چگونگی توزیع قدرت در میان نخبگان سیاسی و شناسایی نخبگان مرکزی و بانفوذ به تبیین چگونگی تمرکز و توزیع قدرت در میان گروه‌ها و نخبگان سیاسی می‌انجامد (کوستیوچنکو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱).

جهت بررسی تجربی مسئله، مطالعه شبکه روابط نخبگان سیاسی به قوه مجریه محدود شده است. انتخاب نهاد دولت به عنوان واحد تحلیل بزرگتر به دلیل حضور همزمان صفت انتخابی و انتصابی بودن نخبگان و انتظار چرخش نخبگان در میدان رقابت سیاسی در این نهاد است. انتخاب دولت‌های هفتم تا دهم نیز بر اساس دو معیار: (۱) تغییر گفتمان سیاسی از توسعه اقتصادی به توسعه سیاسی در دولت‌های هفتم و هشتم و تغییر آن از توسعه سیاسی به گفتمان عدالت محور در دولت‌های نهم و دهم<sup>۵</sup> و (۲) تغییرات در ترکیب و آرایش سیاسی نخبگان در این دولت‌ها بوده است.

بر اساس شواهد موجود، سوالات این پژوهش عبارتند از: ساختار قدرت در شبکه روابط نخبگان سیاسی ایران به چه میزان متمرکز یا متراکم است؟ تغییر قدرت گروه‌ها در طول زمان چگونه است؟ شاخه‌ها و زیرشاخه‌های ارتباطی درون شبکه روابط نخبگان سیاسی و نخبگان مرکزی و بانفوذ کدام‌ها هستند؟

## ادبیات تجربی

در بخش تجربی، تمرکز بر مطالعات قدرت و توزیع آن در میان نخبگان سیاسی ایران و مطالعات خارجی با محوریت بررسی سازوکارهای توزیع قدرت در میان نخبگان سیاسی بوده است.

<sup>1</sup> Concentrated

<sup>2</sup> Dispersed

<sup>3</sup> Domhoff

<sup>4</sup> Kostiuhenko

<sup>۵</sup> ر.ک به عشایری و همکاران، ۱۳۹۹

مطالعات تجربی<sup>۱</sup> در ایران پیش از انقلاب با بررسی شرایط و زمینه‌های مسلط در ساختارهای سیاسی، نوع دولت‌ها، گفتمان‌های حاکم بر جامعه و تحولات جهانی به بررسی نحوه ظهور دولت‌ها و قدرت یافتن نخبگان سیاسی پرداخته‌اند. از جمله وجوه مشترک این مطالعات تأکید بر تمرکز قدرت سیاسی در طبقات و قشرهای اجتماعی خاص در ادوار تاریخی مختلف از دوران قاجار تا دوران پهلوی بوده است تا آنجا که وقوع تحولات مهم سیاسی همچون مشروطیت،<sup>۲</sup> نیز تحول بنیادین در خاستگاه طبقاتی نخبگان سیاسی ایران ایجاد کرده است.<sup>۳</sup> شواهد مطالعات تجربی حاکی از آن بوده است که از جمله راهکارهای ورود به حلقه نخبگان قدرت و حفظ قدرت در ایران، پیوندهای خویشاوندی و ارتباطات کاری بوده است. ارتباطات گسترده میان اعضای طبقه حاکم و شباهت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر مبنای مناسبات و خاستگاه اجتماعی و خانوادگی یکسان، نقش مهمی در روند تمرکزگرایی سیاسی در ساختار قدرت ایران داشته است.

<sup>۱</sup> در این پژوهش تمرکز بر مطالعات قدرت و توزیع آن در باب نخبگان سیاسی ایران پیش از انقلاب {علیرضا ازغندی(۱۳۷۶): ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب؛ زهرا شجیعی(۱۳۸۳): نخبگان سیاسی ایران: از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی؛ ماروین زونیس(۱۳۸۷): روانشناسی نخبگان سیاسی ایران؛ پس از انقلاب {علی ساعی(۱۳۷۷): «بررسی طبقه اجتماعی نمایندگان مجلس شورای اسلامی»؛ محمدرحیم عیوضی و ملیحه رضانی(۱۳۸۹): «بررسی پایگاه اجتماعی هیئت وزیران جمهوری اسلامی ایران(۱۳۶۸-۱۳۸۸)»؛ زهرا ندیمی (۱۳۹۰): «ساختار نخبگان سیاسی ایران و ساختار چرخش آن بعد از انقلاب»؛ بوتچا (۲۰۰۰): «چه کسی در ایران حکومت می‌کند؟»؛ راکل (۲۰۰۸): «نخبگان سیاسی ایران، روابط حکومت و جامعه و روابط خارجی بعد از انقلاب اسلامی»؛ پریچارد (۲۰۱۴): «سیستم‌های رسمی و شبکه‌های غیررسمی: سیاست قدرت ایران در اصول و عمل»؛ و مطالعات خارجی {سیرایت میلز(۱۳۸۳): «نخبگان قدرت»؛ ویلیام دام هوف(۲۰۰۰): «چه کسانی در آمریکا حکومت می‌کند»؛ فرانزیسکا باربارا کِلر(۲۰۱۵): «شبکه‌های قدرت: استفاده از تحلیل شبکه برای فهم اینکه چه کسانی حکومت می‌کند و چه کسانی در حزب کمونیست چین مسئول هستند»؛ ریموند فیسمن و همکارانش (۲۰۱۷): «ارتباطات و انتخاب نخبگان سیاسی چین»} با محوریت بررسی سازوکارهای توزیع قدرت و دستیابی به آن در میان نخبگان سیاسی بوده است.

<sup>۲</sup> اگرچه در برخی ادوار همانند مشروطیت، با تصویب قوانین و ایجاد بسترهای قانونی، زمینه‌های لازم برای حضور نخبگانی از سایر طبقات اجتماعی و از جمله طبقات پائین ایجاد شده اما در نهایت طبقات و قشرهای مسلط در قدرت سیاسی، گروه‌هایی بوده‌اند که به طبقات بالا و متوسط اقتصادی جامعه تعلق داشته‌اند.

<sup>۳</sup> مالکان، زمینداران، بازاریبان، روحانیون و درباریان، طبقات و قشرهای مسلط در قدرت سیاسی ایران بوده‌اند (شجیعی، ۱۳۸۳)

محققان در مطالعات پس از انقلاب با اشاره به تغییر گفتمان‌های سیاسی و پایگاه اجتماعی نخبگان در میدان رقابت سیاسی، تأکید داشته‌اند که در شرایط ضعف احزاب سیاسی و نهادهای مدنی در ایران، از عوامل مهم در دستیابی قدرت پس از انقلاب، ارتباطات و پیوندهای بین‌فردی میان نخبگان سیاسی بوده است. تحرک بالای سیاسی در سطوح پائین نظام سیاسی در مقابل ثبات بیشتر در سطوح بالای حاکمیت، سهم بیشتر حضور قشرهای روحانی و نظامی، پیوندهای خویشاوندی و دوستی با روحانیون و مسئولین سیاسی، تحصیلات حوزوی، سابقه مبارزات انقلابی و مشارکت حزبی در دستیابی به جایگاه‌های قدرتمند سیاسی از عوامل مهم در تبیین نحوه توزیع و سازوکارهای دستیابی به قدرت در ایران پس از انقلاب است (ساعی، ۱۳۷۷؛ ندیمی، ۱۳۹۰؛ بوتچا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰؛ راکل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸؛ پریچارد<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). شواهد تجربی مطالعات بیانگر اهمیت ارتباط با کانون‌های قدرت در دستیابی به قدرت در ساختار سیاسی ایران است که در این میان شناخت بین فردی، روابط خویشاوندی، دوستی و آشنایی در شبکه روابط مسئولین و قواعد غیر رسمی بیش از سایر مکانیسم‌ها در دستیابی افراد به موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نقش داشته است. یافته‌های محققان در مطالعه ساختار نظام‌های سیاسی در سایر کشورها نیز نشان می‌دهد که علاوه بر بسترهای زمینه‌ساز که منجر به حضور گروه‌ها و طبقات خاص در سطوح بالای هرم قدرت سیاسی و اقتصادی می‌شود، نهادینه شدن و حفظ قدرت در میان گروه‌ها و طبقات اجتماعی از طریق پیوندها و شبکه تعاملات و ارتباطات میان نخبگان سیاسی، یکی از مکانیسم‌های بازتولید قدرت سیاسی است. شبکه ارتباطات و پیوندها میان نخبگان سیاسی، امکان دستیابی به قدرت و سایر منابع ارزشمند را از طریق ساختاری در هم تنیده و پیوسته از ارتباطات به ویژه ارتباط با رهبران، امکان‌پذیر می‌سازد. این مطالعات با بررسی ساختارهای کلان جامعه و با بهره‌گیری از بررسی جایگاه نخبگان سیاسی به مطالعه سازوکارهای تسلط گروه و طبقات برتر بر ساختار سیاسی جوامع پرداخته و در این میان تأکید بر بررسی شبکه‌روابط و ارتباطات بین فردی، نقش بسزایی در طرح رویکردهای جدید در بررسی ساختار قدرت سیاسی داشته‌اند (سی رایت میلز، ۱۳۸۳؛ دام‌هوف، ۲۰۰۰؛ کلر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵؛ فیسمن<sup>۵</sup>، ۲۰۱۷). این پژوهش با تأکید بر اهمیت و نقش شبکه‌روابط

<sup>1</sup> Buchta

<sup>2</sup> Rakel

<sup>3</sup> Pritchard

<sup>4</sup> Keller

<sup>5</sup> Fisman

در دستیابی به قدرت سیاسی درصدد تبیین چگونگی توزیع قدرت در شبکه روابط نخبگان سیاسی ایران است.

رویکردهای تجربی و نظری در مطالعات فوق، در این پژوهش در شناخت سازوکارهای توزیع قدرت در شبکه روابط نخبگان سیاسی تداوم یافته است؛ لذا از حیث نظری برای تبیین موضوع با اشاره به رویکرد نظری عاملیت محور/ نخبه‌گرایانه، با تأکید بر آرای نخبه‌گرایان مدرن چون سی‌رایت میلز<sup>۱</sup> و ویلیام دامهوف<sup>۲</sup> از رویکرد نظری تحلیل شبکه<sup>۳</sup> به عنوان رویکرد اصلی در تبیین موضوع استفاده شده است.

### ادبیات نظری

در رویکرد عاملیت‌محور، قدرت در دست عده‌ای معدود و اقلیتی خاص متمرکز است و تمایز اصلی تمایز میان گروه حاکم و فاقد قدرت حاکمیت است (باتامور، ۱۳۶۹). لذا پرداختن به این مسائل که چرا یک اقلیت همواره باید بر اکثریت حکومت کند (نش، ۱۳۹۳) و چگونه به قدرت دست یافته و مالکیت خود در حوزه سیاسی را تثبیت می‌کند، پرسش‌های اصلی هستند. در رویکرد نوین نخبه‌گرایی بر رابطه میان گروه حاکم و سایر گروه‌های اجتماعی در جامعه و مکانیسم‌های تمرکز و حفظ قدرت در میان طبقات حاکم تأکید شده است. میلز با ادعای تمرکز وسیع قدرت در امریکا، نشان می‌دهد که نخبگان قدرت از افرادی با خاستگاه اجتماعی و خانوادگی مشترک تشکیل شده‌اند و مشاغل و شیوه‌های زندگی ایشان نزدیکی زیادی باهم دارد. این گروه به دلیل قرار گرفتن در جایگاه‌های رده‌بالا در سلسله مراتب سیاسی، اقتصادی و نظامی، به یکدیگر شباهت می‌یابند و بر اساس پنداشت خود و جامعه از ایشان، به یک خودآگاهی طبقاتی رسیده و خود را جزئی از اعضای داخلی یک «طبقه برتر اجتماعی» می‌پندارند. این خودآگاهی با افزایش اشتراکات و ایجاد ارتباطات گسترده و قرارگیری در فضاهای مشترک، باعث توسعه روابط و حفظ موجودیت ایشان فراتر از روابط سیاسی می‌شود (میلز، ۱۳۸۳). دامهوف نیز به این نکته اشاره می‌کند که اعضای طبقات بالا نه تنها در نهادهای اقتصادی، سیاسی و نظامی که در حوزه‌های متعددی چون دانشگاه، مدارس عالی و وسایل ارتباط جمعی در موقعیت‌های سطح بالا هستند و برای حفظ قدرت با یکدیگر تعامل دارند. او پیوندهای کاری و خویشاوندی در میان اعضای طبقات بالا، عضویت در مراکز خاص، توسعه

<sup>1</sup> C. Wright Mills

<sup>2</sup> W. G. Domhoff

<sup>3</sup> Social Network Analysis (SNA)

ارتباطات از طریق ازدواج، عضویت در باشگاه‌ها و کلوپ‌های خاص را مبنایی برای تحکیم پیوندها و قدرت در میان گروه حاکم می‌داند (دام هوف<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵). رویکرد عاملیت‌محور اگرچه بر انسجام و وحدت درونی طبقات حاکم تأکید دارد اما سازوکارهای حفظ موجودیت و تغییرات سیاسی را تبیین نمی‌کند. در همین راستا دام‌هوف در گسترش دیدگاهش به بررسی شبکه روابط نخبگان سیاسی می‌پردازد. او با بررسی روابط میان افراد<sup>۲</sup> و سازمان‌هایی که در ساختار قدرت حضور دارند نشان می‌دهد که اجزای این ساختار چگونه با یکدیگر ارتباط داشته و بر حکومت/دولت تأثیر دارند و تصویری تجربی از روابط درونی میان افراد و سازمان‌های حاضر در ساختار قدرت و نحوه عملکرد آنها در شبکه روابط و در مسائل مربوط به سیاست ارائه می‌دهد (دام هوف، ۲۰۰۵).

دام‌هوف (۲۰۰۵) معتقد است بررسی ساختار قدرت به واسطه شبکه روابط نشان می‌دهد که ساختار قدرت به چه میزان متمرکز<sup>۳</sup> و یا پراکنده<sup>۴</sup> است؛ کدام گروه‌ها و طبقات در کدام عرصه‌ها قدرت دارند و قدرت گروه‌ها در طول زمان چگونه تغییر می‌کند. بطور ویژه نگاه دام‌هوف در این مطالعات از منظر تحلیل شبکه اجتماعی نخبگان قدرت سیاسی دارای اهمیت است. در این رویکرد تأکید بر مطالعه ساختارهای واقعی و مطالعه همزمان ساختار و عاملیت است. در رویکرد تحلیل شبکه تأکید بر آن است که قدرت ذاتاً رابطه‌ای است و بر ظرفیت رابطه‌ای در تعریف قدرت تأکید می‌شود (کاستلز، ۱۳۹۶)؛ افراد بصورت انتزاعی دارای قدرت نیستند بلکه آنها دارای قدرت هستند بدین دلیل که بر دیگران تسلط دارند. بر این اساس قدرت ویژگی یا خصوصیتی نیست که در افراد یا گروه‌ها ذاتی و یا ارثی باشد، بلکه قدرت بخشی از پتانسیل بالقوه یا واقعی تعامل میان دو یا چند کنشگر اجتماعی است (دیویدناک<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳). در این شیوه از تحلیل نه تنها روابط مستقیم که روابط غیرمستقیم نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ روابط غیرمستقیم محدودیت‌ها<sup>۶</sup> و فرصت‌های<sup>۷</sup> دستیابی به اهداف مطلوب<sup>۸</sup> را شامل می‌شود (هنمن و رایدل<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵). بررسی موقعیت کنشگر و قدرت موقعیت او از دیگر موارد مورد بررسی در رویکرد تحلیل شبکه است که بستگی به گزینه‌های

<sup>۱</sup> Domhoff

<sup>۲</sup> مجموعه‌ای از افراد که نقش‌ها و موقعیت‌های درون ساختار قدرت را اشغال کرده‌اند.

<sup>۳</sup> Concentrated

<sup>۴</sup> Dispersed

<sup>۵</sup> David Knoke

<sup>۶</sup> Limits

<sup>۷</sup> Opportunities

<sup>۸</sup> Desired ends

<sup>۹</sup> Hanneman & Riddle

جایگزین در تبادل منابع و اطلاعات<sup>۱</sup> دارد (دیویدناک، ۲۰۰۳)؛ باید توجه داشت ساختار روابط میان کنشگران و موقعیت کنشگران فردی در شبکه روابط، نتایج مهم رفتاری<sup>۲</sup>، ادراکی<sup>۳</sup> و نگرشی<sup>۴</sup> هم برای واحدهای فردی و هم برای سیستم به عنوان یک کل دارد و در سطحی خاص تر اشکال و محتوای روابط میان موقعیت‌های اجتماعی نتایج معناداری برای شکل‌گیری رفتارها و نگرش‌های سیاسی دارد (دیویدناک، ۲۰۰۳)؛ همچنین الگوی روابط میان کنشگران بیانگر فرصت‌ها و منابع افراد در دسترسی به منابع مهم است. در شبکه روابط، جایگاه اجتماعی افراد، بواسطه نوع تعاملات، امتیازات و فرصت‌های حاصل از این تعاملات اجتماعی متفاوت است و در نتیجه مزایایی که آنها می‌توانند از طریق روابط اجتماعی‌شان بدست آورند، یا همان «دارایی رابطه‌ای‌شان»<sup>۵</sup>، نیز متفاوت توزیع شده است (نان‌لین<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۵).

در مجموع می‌توان گفت در رویکرد تحلیل شبکه به جای تأکید بر کنشگر، بر روابط میان کنشگران و ساختار این روابط تأکید می‌شود و هدف آن است که تعیین شود قدرت به چه میزان و بر اساس کدام مبنا توزیع شده و دارندگان آن کدام افراد، نهادها و یا سازمان‌ها هستند (هیکس و گولت، ۱۳۷۶ به نقل از بهشتی، ۱۳۹۱). دستیابی نخبگان به قدرت سیاسی برآمده از موقعیت سیاسی و شبکه روابط اجتماعی نخبگان است که خود متأثر از بسترها و فرآیندهای تاریخی<sup>۷</sup> است. بر این اساس، بسترهای مهم تاریخی در شکل‌گیری موقعیت و جایگاه نخبگان سیاسی نقش دارند. این فرآیندها با ایجاد فرصت‌های نابرابر می‌توانند به گروه‌بندی‌های اجتماعی منجر شوند. ترکیب گروه‌بندی‌های اجتماعی و قاعده همسان‌گزینی<sup>۸</sup>، ساختی از شبکه روابط نخبگان قدرت سیاسی را شکل می‌دهد که متفاوت از شبکه روابط فردی آنان است و در دستیابی ایشان به قدرت سیاسی نقش دارد. انتخاب این رویکرد نظری در مطالعه ساختار شبکه روابط نخبگان قدرت سیاسی در

<sup>۱</sup> Exchanging resources and information

<sup>۲</sup> Behavioral

<sup>۳</sup> Perceptual

<sup>۴</sup> Attitudinal

<sup>۵</sup> Relational Asset

<sup>۶</sup> Lin

<sup>۷</sup> Process of Historical

<sup>۸</sup> بر اساس قاعده همسان‌گزینی (هموفیلی) افراد تمایل دارند شبکه‌ای از ارتباطات اجتماعی را با افراد و گروه‌های اجتماعی مشابه شکل دهند؛ افراد با بسیج و بازتوزیع این منابع قادر خواهند بود به انواعی از منابع ابزاری (قدرت، ثروت و پایگاه اجتماعی) دست یابند.

ایران، ضمن نشان دادن میزان تمرکز یا تراکم در ساختار، نحوه توزیع قدرت در میان گروه‌ها و نخبگان سیاسی را نیز نشان می‌دهد.

### چارچوب روش‌شناختی

این مطالعه با استفاده از رویکرد تحلیل شبکه به بررسی ساخت شبکه روابط نخبگان سیاسی پرداخته است. رویکرد تحلیل شبکه توانایی آن را دارد که تصویری از روابط نقش-پایگاه<sup>۱</sup> در میان کنشگران سیاسی که موقعیت‌هایی را در ساختار سیاسی اشغال کرده‌اند به نمایش گذارد (دیویدناک، ۱۹۹۰)؛ این رویکرد با تمرکز بر وجوه ساختاری، ماهیت و محتوای ارتباطات و نقش کنشگران اجتماعی و جایگاه ایشان در شبکه روابط، به شناسایی مکانیسم‌هایی که به واسطه آنها، دستیابی افراد به موقعیت‌ها و منابع ارزشمند در جامعه تسهیل می‌شود<sup>۲</sup>، کمک می‌کند (گرانوویتر<sup>۳</sup>، ۱۹۷۳؛ ولمن<sup>۴</sup>، ۱۹۸۳؛ اریکسون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷؛ کولتر-برکوویتز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵؛ لین، ۲۰۰۵؛ دی‌مگیو و گاریپ<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲). تحلیل شبکه این امکان را ایجاد می‌کند تا تصویری از الگوهای روابط رسمی و غیررسمی کنشگران درون نمونه‌های از پیش تعریف شده ارائه شود (کوستیوچنکو، ۲۰۱۱). در مطالعه شبکه روابط، دو رویکرد اجتماعات فردی<sup>۸</sup> و شبکه‌های کل (کامل)<sup>۹</sup> قابل بررسی است. در رویکرد اجتماعات فردی، تمرکز بر روی شبکه اطراف یک فرد است و شبکه‌های اجتماعی از دید افراد کانونی که در شبکه قرار دارند، مطالعه می‌شود (باستانی و رئیسی، ۱۳۹۰). این رویکرد نوعی دید بطلیموسی از شبکه را بدست می‌دهد و شبکه از دید افرادی که در مرکز شبکه قرار دارند بررسی می‌شود (هیتورنتویت<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۶؛ صالحی هیکوئی، ۱۳۸۴ به نقل از ولمن، ۱۹۹۹؛ مارین<sup>۱۱</sup> و ولمن، ۲۰۱۶). در رویکرد شبکه‌های کل (کامل)، روابط همه اعضا در یک محیط با روابط همه افراد دیگر در همان محیط مطالعه می‌شود (هیتورنتویت، ۱۹۹۶). در این رویکرد، کل روابط

<sup>۱</sup> Status-roles

<sup>۲</sup> الگوی روابط میان کنشگران بیانگر فرصت‌ها و منابع افراد در دسترسی به منابع مهم مانند ثروت، قدرت و پایگاه اجتماعی است.

<sup>۳</sup> Granovetter

<sup>۴</sup> Wellman

<sup>۵</sup> Erickson

<sup>۶</sup> Kotler-Berkowitz

<sup>۷</sup> DiMaggio & Garip

<sup>۸</sup> Personal communities

<sup>۹</sup> Whole networks

<sup>۱۰</sup> Haythornthwaite

<sup>۱۱</sup> Marin

در شبکه از سوی تحلیل‌گر بیرونی بررسی و کل روابط از سوی تحلیل‌گر شبکه بررسی می‌شود (باستانی و رئیس، ۱۳۹۰). رویکرد شبکه‌های کل (کامل) یک دیدگاه چشم پرنده<sup>۱</sup> از ساختار اجتماعی ارائه می‌دهند و تمرکز بیشتر بر کل گره‌ها است تا تمرکز بر شبکه‌های اطراف یک گره خاص (مارین و ولمن، ۲۰۱۶). در این پژوهش از رویکرد شبکه‌های کل (کامل) در مطالعه ساخت شبکه و رویکرد شبکه‌های فردی در مطالعه موقعیت نخبگان سیاسی در شبکه روابط، استفاده شده است.

**واحد تحلیل و مشاهده:** تحلیل شبکه در دسته‌بندی روش‌های رابطه‌ای<sup>۲</sup> قرار دارد؛<sup>۳</sup> تحلیل در این روش، تحلیل رابطه‌ای است. انواع روابط، شدت و استحکام روابط، میزان درگیری مشترک در فعالیت‌ها، تعداد دفعات حضور و یا تماس میان گره‌ها<sup>۴</sup>، میزان نزدیکی و شدت ارتباطات از جمله مواردی است که در تحلیل روابط بررسی می‌شود. در این مطالعه واحد تحلیل، رابطه و واحد مشاهده، روابط میان اعضای کابینه دولت‌ها است. در این مطالعه ۴ نوع رابطه در شبکه روابط نخبگان سیاسی<sup>۵</sup> بررسی شده است:

روابط کاری: روابط مشترک کاری درون و میان دولت‌ها از ابتدا تا زمان تصدی پُست سیاسی

روابط حزبی: میزان عضویت مشترک در احزاب تا زمان تصدی پُست سیاسی

روابط دانشگاهی: حضور در دانشگاه مشترک بدون در نظر گرفتن همپوشانی زمانی در مقاطع

تحصیلی مختلف

<sup>۱</sup> Bird's-eye view

<sup>۲</sup> Relational Methods

<sup>۳</sup> ر.ک به چلبی، ۱۳۹۰، تحلیل اجتماعی در فضای کنش

<sup>۴</sup> Nodes

<sup>۵</sup> عضویت‌های مشترک با حضور همزمان افراد در یک یا چند موقعیت به عنوان رابطه در تحلیل شبکه تعریف می‌شود؛ در این ارتباط، کادوشین حضور افراد در یک اتاق مشترک را نیز به عنوان رابطه تعریف می‌کند و یا دام هوف در بررسی شبکه روابط نخبگان سیاسی، عضویت‌های مشترک در باشگاه‌های ورزشی، کلوب‌ها و ... را نیز به عنوان رابطه بین نخبگان تعریف می‌کند و چلبی (۱۳۹۰) عضویت‌های مشترک افراد را در مکان‌های همچون هیئت مدیره به عنوان رابطه در نظر می‌گیرد (چلبی، ۱۳۹۰؛ Domhoff, 2005؛ Kadushin, 2011). در این مطالعه جریان و نوع اطلاعات رد و بدل شده میان کنشگران موضوع بررسی نیست.

روابط استانی: روابط استانی بر اساس شاخص محل تولد<sup>۱</sup> استخراج شده است.

**جمع آوری داده‌ها:** شواهد تجربی با رجوع سازمان یافته به منابع معتبر علمی و اسنادی از جمله کتب مربوط به اطلاعات نخبگان سیاسی ایران شامل پژوهش فاضلی بیرجندی (۱۳۹۳)، مهرزاد بروجردی و رحیم‌خانی (۲۰۱۸) و ساعی (۱۴۰۰)، زندگینامه‌ها، خاطرات، منابع اطلاعاتی شامل سایت‌های خبری، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی دولت و مجلس، سایت دانشگاه‌ها، وبسایت‌های شخصی، بررسی رزومه‌های علمی و دانشگاهی و رزومه افراد در سایر نهادها مانند مجلس، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، حکم‌های استخدامی و مشروح اخبار معرفی وزیران کابینه از سوی رئیس‌جمهور در مجلس و مصاحبه عمیق با برخی از نخبگان سیاسی جمع‌آوری شده است.

تحلیل شبکه روابط با استفاده از نرم‌افزار Ucinet انجام شده است. بر این اساس ماتریسی از داده‌های شبکه ارتباطات و روابط میان نخبگان سیاسی ایجاد و با استفاده از نرم‌افزار، شاخص‌های همبستگی، تراکم، تمرکز، سائز شبکه و ضریب خوشه‌بندی که مرتبط با ویژگی‌های ساختی شبکه است تحلیل شده است. همچنین با استفاده از گراف، ساختار کلی شبکه روابط اعضای هیئت دولت هفتم تا دهم ترسیم گردیده است. نمایش گرافی داده‌ها در تحلیل شبکه مبتنی بر ماتریس روابط است که با ترسیم ارتباط میان اعضا به صورت نقاط و خطوط، تصویری از شبکه روابط ارائه و ویژگی‌های کلی ساختار شبکه از جمله ارتباط میان اعضا، موقعیت کنشگران مرکزی، گروه‌ها و زیرگروه‌ها را به مشاهده‌کننده منتقل می‌کند؛ و سرمن<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) معتقد است نمایش تصویری داده‌ها به محقق کمک می‌کند الگوهایی را کشف کند که در غیر اینصورت پوشیده باقی می‌مانند (باستانی و رئیسی، ۱۳۹۰).

### شاخص‌های تحلیل شبکه

همبستگی شبکه<sup>۳</sup>: از ویژگی‌های ساختی شبکه‌های کل است که بیانگر نسبت روابط متقابل و ارتباطات قوی در میان اعضای شبکه است. دو شاخص تراکم شبکه<sup>۴</sup> و تمرکز<sup>۵</sup> میزان انسجام و

<sup>۱</sup> شبکه روابط خویشاوندی و استاد- شاگردی نیز مورد بررسی بوده است. اما این نوع از ارتباطات در میان حلقه درونی نخبگان سیاسی محدود بوده است و مصادیق اندکی داشته است. به همین دلیل به صورت جداگانه مورد بررسی نبوده است.

<sup>۲</sup> Wasserman

<sup>۳</sup> Network Cohesion

<sup>۴</sup> Density

<sup>۵</sup> Centralization

همبستگی در شبکه روابط را نشان می‌دهد (هیتورنتویت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶؛ بوگارتی و دیگران، ۲۰۰۹؛ چلبی، ۱۳۹۰).

**تراکم شبکه:** مجموع ارتباطات درون شبکه است که نمایشگر نسبت پیوندهای موجود بر تعداد پیوندهای ممکن در شبکه است. میزان این شاخص بین صفر تا یک است که به صورت درصد نیز بیان می‌شود.

**تمرکز شبکه:** بیانگر میزان کنشگران مرکزی است. به عبارت دیگر درصدی از شبکه است که در انحصار کنشگران مرکزی است. محدوده نمره درجه تمرکز، بین صفر تا یک است که شبکه با درجه تمرکز صفر نشان‌دهنده توزیع پیوندها میان اعضای شبکه است و شبکه با درجه تمرکز یک بیانگر آن است که همه پیوندها در اختیار یک کنشگر است (هیتورنتویت، ۱۹۹۶؛ بوگاتی<sup>۲</sup> و دیگران، ۲۰۰۹؛ چلبی، ۱۳۹۰؛ باستانی و رئیسی، ۱۳۹۰؛ قربانی، ۱۳۹۱).

**اندازه<sup>۳</sup> شبکه:** بیانگر تعداد پیوندها در شبکه روابط است که هر چه تعداد پیوندها و ارتباطات میان اعضای شبکه بیشتر باشد، میزان تراکم شبکه نیز افزایش می‌یابد (باستانی و رئیسی، ۱۳۹۰؛ قربانی، ۱۳۹۱).

**ضریب خوشه‌بندی<sup>۴</sup>:** نشان‌دهنده آن است که کنشگران در اطراف یک گره تا چه حد بهم متصل هستند. این ضریب در کل شبکه از میانگین ضرایب محلی تمامی گره‌ها در شبکه حاصل می‌شود (هوگان<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷). ضریب خوشه‌بندی بالا نشان‌دهنده آن است که ارتباطات شبکه در اطراف چند گره متمرکز شده است اما پائین بودن این مقدار گویای آن است که پیوندها در کل شبکه توزیع شده است (باستانی و رئیسی، ۱۳۹۰).

## یافته‌های پژوهش

در مطالعه شبکه روابط نخبگان قدرت سیاسی، ابتدا به بررسی پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی که به لحاظ علمی ناظر بر دستیابی به مواضع راهبردی و با نفوذ و پُست‌های مهم سیاسی است، پرداخته شده است. مفهوم نخبگان سیاسی در این مطالعه نیز بر تئوری پاره‌تواستوار است و شامل آن گروه از افرادی است که به صورت مستقیم از طریق تصدی پُست‌های مهم سیاسی در حکومت

<sup>1</sup> Haythornthwaite

<sup>2</sup> Borgatti

<sup>3</sup> Size

<sup>4</sup> Clustering coefficient

<sup>5</sup> Hagan

نقش دارند. در این پژوهش اعضای کابینه دولت، شامل رئیس جمهور، وزیران، معاونان و رئیس دفتر رئیس جمهور مصادیق نخبگان قدرت سیاسی هستند. پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی نیز بر اساس تئوری وبر در دو بُعد انتسابی با معرف‌های سن، جنسیت، محل تولد، پیشینه مذهبی و اکتسابی با معرف‌های پیشینه شغلی و تحصیلی سنجیده شده است.

شواهد تجربی این پژوهش دلالت بر آن دارد که به لحاظ پایگاه اجتماعی انتسابی، اکثریت اعضای کابینه دولت‌های مورد مطالعه را مردان در گروه سنی ۴۰-۵۰ سال با خاستگاه سکونت شهری تشکیل می‌دهند؛ درصد حضور زنان در دولت‌های هفتم تا دهم ۴.۲٪ بوده است که از ۲.۶٪ در دولت هفتم به ۸.۷٪ در دولت دهم افزایش یافته است. میانگین سنی اعضای کابینه ۴۸ سال بوده است که از میانگین ۴۶.۱ در دولت هفتم به ۵۰.۲ سال در دولت دهم افزایش یافته است. داده‌های خاستگاه سکونت نشان می‌دهد که ۱۳.۸٪ اعضای دولت‌ها روستایی بوده‌اند. کمترین میزان توزیع خاستگاه روستایی در دولت هشتم با ۵.۴٪ و بیشترین میزان در دولت دهم با ۱۹.۶٪ بوده است. توزیع استانی در تمامی دولت‌ها بیشتر در استان‌های بزرگ بوده است که دلالت بر چولگی توزیع سهم استان‌ها در کابینه دولت‌ها دارد. اکثریت اعضای کابینه دارای تحصیلات عالی بوده‌اند. کمترین میزان سطح تحصیلات، لیسانس با ۸.۱٪ و بیشترین میزان سطح تحصیلات، دکتری با ۵۱.۵٪ بوده است. اکثریت اعضای کابینه در تجربه شغلی خود در مشاغل دولتی در مناصب بالا حضور داشته‌اند؛ در دولت هفتم و هشتم پیشینه شغلی وزیر بودن به ترتیب با ۳۹.۵ و ۵۱.۴٪ و در دولت نهم و دهم سابقه عضویت در هیئت علمی دانشگاه به ترتیب با ۳۱.۹ و ۳۰.۴٪ بیشترین توزیع را داشته است. به لحاظ حضور قشرهای اجتماعی داده‌ها گویای روند نزولی حضور روحانیون از دولت هفتم تا دهم، در مقابل افزایش درصد حضور قشر دانشگاهی و نظامی از دولت هفتم تا دهم بوده است؛ درصد حضور قشر نظامی از ۱۸.۴ درصد در دولت هفتم به ۳۲.۶ درصد در دولت دهم افزایش یافته است.

### شبکه روابط نخبگان سیاسی

در مطالعه شبکه روابط نخبگان سیاسی، تأکید بر روابط میان اعضای کابینه است. روابط کاری، حزبی، دانشگاهی و هم‌استانی بودن ابعاد روابط اجتماعی نخبگان سیاسی در این پژوهش است<sup>۱</sup> و جنسیت، عضویت حزبی، سابقه حضور در مبارزات انقلابی و جنگ، صفات مورد مطالعه در این

<sup>۱</sup> شبکه روابط خویشاوندی و استاد-شاگردی نیز مورد بررسی بوده است. اما این نوع از ارتباطات در میان حلقه درونی نخبگان سیاسی محدود بوده است و مصادیق اندکی داشته است. به همین دلیل به صورت جداگانه مورد بررسی نبوده است.

پژوهش هستند<sup>۱</sup>. شبکه روابط در توزیع قدرت از دو جهت قابل تحلیل است: ترکیب شبکه روابط و ساختار شبکه روابط. از یک سو بسترها و فرآیندهای تاریخی در شکل‌گیری و ترکیب شبکه روابط و موقعیت نخبگان سیاسی به معنای دوری و نزدیکی ایشان به حلقه قدرت، نقش دارد. از سوی دیگر توزیع نابرابر منابع و فرصت‌ها با تشدید گروه‌بندی‌های اجتماعی بر ساخت شبکه روابط تأثیرگذار است.

بسترها و فرآیندهای تاریخی، در این مطالعه بر تئوری نان لین استوار است که مصادیق آن در این پژوهش وقوع انقلاب، جنگ و بسترهای اجتماعی پس از انقلاب هستند. این بسترها و فرآیندهای تاریخی در ایران پس‌انقلاب علاوه بر تعیین مرزهای جدید میدان رقابت سیاسی، بستر لازم جهت شکل‌گیری روابط و گروه‌بندی‌های مختلف را در جامعه ایجاد کرده‌اند. بر اساس شواهد تجربی پژوهش، در بستر اجتماعی جامعه ایران، مجموعه‌ای از وقایع زمینه‌ای رخ داده است که مهم‌ترین‌شان عبارتند از انقلاب ۱۳۵۷، تدوین قانون اساسی، وقوع جنگ ایران و عراق، وقوع تضاد میان احزاب و گروه‌های سیاسی پس از انقلاب (از جمله احزاب اسلامی، ملی و چپ)، گروه‌بندی‌های سیاسی، عزل اولین رئیس‌جمهور در تیرماه ۱۳۶۰، آغاز مبارزات مسلحانه از سوی برخی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی مخالف مانند سازمان مجاهدین خلق، انفجار دفتر حزب جمهوری و نهاد ریاست جمهوری در سال ۱۳۶۰، که در سال‌های ابتدایی انقلاب و جنگ تأثیر مهمی بر گروه‌بندی‌های اجتماعی در جامعه داشته است و وقایع مهم دیگری از جمله به حاشیه رانده شدن برخی احزاب و جریان‌های سیاسی از جمله نهضت آزادی و جبهه ملی، انشعاب در میان اعضای حزب جمهوری اسلامی و انحلال حزب در سال ۱۳۶۶، پایان جنگ، رحلت امام در خردادماه ۱۳۶۸، بازنگری و اصلاح قانون اساسی در تیرماه ۱۳۶۸<sup>۲</sup> که با تغییر مناسبات، منجر به تغییر مرزها و قواعد میدان رقابت سیاسی و همچنین شکل‌گیری الگوهای ارتباطی خاص در میان گروه‌های حاضر در میدان در گذر زمان شده است.

نتایج بدست آمده از مطالعه بیانگر آن است که علاوه بر فرآیندهای تاریخی، نهادینه شدن و حفظ موجودیت قدرت در میان گروه‌ها و طبقات اجتماعی از طریق پیوندها و شبکه تعاملات و

<sup>۱</sup> بر اساس رویکرد تحلیل شبکه، افراد دارای صفات مشترک موقعیت‌های مشابهی به لحاظ شبکه اجتماعی دارند. بر این اساس اشتراک افراد در نتایج هم می‌تواند به دلیل محدودیت‌ها، فرصت‌ها و اداراکات ایجاد شده بوسیله موقعیت‌های مشابه باشد.

<sup>۲</sup> ر.ک به ساعی؛ ۱۳۹۷؛ مصلی نژاد، ۱۳۹۳

ارتباطات میان نخبگان سیاسی تولید و بازتولید شده است. این امر به ویژه به دلیل نقش شبکه‌های شخصی قوی و ضعف نهادهای مدنی در ایران دارای اهمیت است. بر این اساس دو پدیده انقلاب و جنگ نقش مهمی در گروه‌بندی‌های اجتماعی در دولت‌های مورد مطالعه داشته است که بازتاب آن را می‌توان در ساخت و ترکیب شبکه روابط نخبگان سیاسی ایران مشاهده کرد.

### ساختار قدرت: متمرکز یا پراکنده

نتایج پژوهش بیانگر آن است که ساختار شبکه روابط دولت‌های هفتم تا دهم با رویکردهای سیاسی متفاوت از همبستگی و انسجام بالای ساختاری برخوردار است. علیرغم تفاوت‌ها در برخی از صفات از جمله جنسیت و حضور برخی قشرهای اجتماعی، ویژگی‌های مشترکی در ساختار دولت‌ها مشاهده می‌شود. شاخص تراکم<sup>۱</sup> شبکه با ارزش ۰.۳۷، بیانگر همبستگی و انسجام بالا در شبکه روابط است که در مقایسه بین دولت‌ها، دولت‌های هفتم و هشتم با ضریب تراکم ۰.۴۱ و ۰.۵۴ بیشترین میزان همبستگی و انسجام درون شبکه‌ای را داشته‌اند که عواملی همچون میزان ارتباطات بیشتر در حوزه‌هایی از جمله کاری و حزبی و قدمت بیشتر ارتباطات میان اعضای شبکه در این زمینه تأثیرگذار است؛ دولت دهم با ضریب ۰.۲۹ کمترین میزان تراکم شبکه را به خود اختصاص داده است.

از سوی دیگر شاخص تمرکز شبکه روابط با ارزش ۰.۳۴ حاکی از آن است که میزان تمرکز در شبکه روابط در تمامی دولت‌ها بالا است؛ بدین معنا که بخش مهمی از شبکه روابط نخبگان سیاسی در انحصار برخی کنشگران مرکزی است. تمرکز قدرت در میان کنشگران مرکزی در دولت هفتم با ارزش ۰.۳۹، بیش از سایر دولت‌ها است و دولت دهم با تمرکز ۰.۳۶، نسبت به دولت نهم، با تمرکز ۰.۳۴، از تمرکز بیشتری برخوردار است که نشان‌دهنده شکل‌گیری ارتباطات بیشتر حول برخی کنشگران مرکزی در دولت دهم است.

همچنین بر اساس ضریب خوشه‌بندی، مرکزیت در شبکه روابط در دولت هفتم و هشتم بالاتر است در مقابل پیوندها و ارتباطات در شبکه روابط دولت نهم و دهم پراکنده‌تر بوده و پیوندها در کل شبکه توزیع شده است که به معنای توزیع بیشتر فرصت‌ها برای اعضای شبکه است. ضریب خوشه‌بندی در کل دولت‌ها با ارزش ۰.۸۹ دلالت بر حضور کنشگران مرکزی در شبکه ارتباطات و

<sup>۱</sup> میزان این شاخص بین صفر تا یک است که به هر میزان شاخص به یک نزدیک باشد میزان تراکم در شبکه بالاتر است.

تراکم ارتباطات حول این کنشگران مرکزی دارد (جدول ۱). در مقایسه میان انواع روابط، شاخص تراکم شبکه، در شبکه روابط کاری بیش از سایر انواع ارتباطات بوده و این بدان معنا است که میزان ارتباطات مستقیم در شبکه روابط کاری بیشتر بوده است. شاخص تمرکز شبکه نیز در شبکه روابط کاری بیش از سایر انواع ارتباطات است. بیشترین و کمترین میزان ضریب خوشه‌بندی به ترتیب در شبکه روابط کاری و روابط حزبی بوده است که گویای نقش کمرنگ پیوندهای حزبی در شکل‌گیری ساختار شبکه روابط دولت‌ها است (جدول ۲).

جدول ۱: شاخص‌های همبستگی و مرکزیت شبکه روابط به تفکیک دولت‌ها هفتم- دهم

دولت	تعداد افراد در شبکه ارتباطات	سایز شبکه	تراکم شبکه	تمرکز شبکه	میانگین درجه مرکزیت
هفتم	۳۸	۵۸۲	۰.۴۱	۰.۳۹	۴۱.۵۳
هشتم	۳۷	۷۲۶	۰.۵۴	۰.۳۳	۵۴.۵۰
نهم	۴۷	۶۴۸	۰.۳۰	۰.۳۴	۳۰.۰۶
دهم	۴۶	۶۱۸	۰.۲۹	۰.۳۶	۳۰.۰۴

جدول ۲: شاخص‌های همبستگی و مرکزیت شبکه روابط به تفکیک نوع ارتباط در

دولت‌های هفتم- دهم

دولت (هفتم تا دهم)	تعداد افراد در شبکه ارتباطات <sup>۱</sup>	سایز شبکه	تراکم شبکه	تمرکز شبکه	میانگین درجه مرکزیت	ضریب خوشه‌بندی
شبکه روابط کاری	۱۲۸	۳۸۵۴	۰.۲۳	۰.۳۹	۲۴.۰۵	۰.۹۳
شبکه روابط حزبی	۱۲۸	۴۱۱	۰.۰۲	۰.۱۱	۲.۵۳	۰.۸۰
شبکه روابط استانی	۱۲۸	۱۲۱۰	۰.۰۷	۰.۱۱	۷.۴۴	۱
شبکه روابط دانشگاهی	۱۲۸	۱۶۳۸	۰.۱۰	۰.۲۳	۱۰.۰۷	۰.۸۴
شبکه روابط کل	۱۲۸	۶۰۰۸	۰.۳۷	۰.۳۴	۳۷.۲۲	۰.۸۹

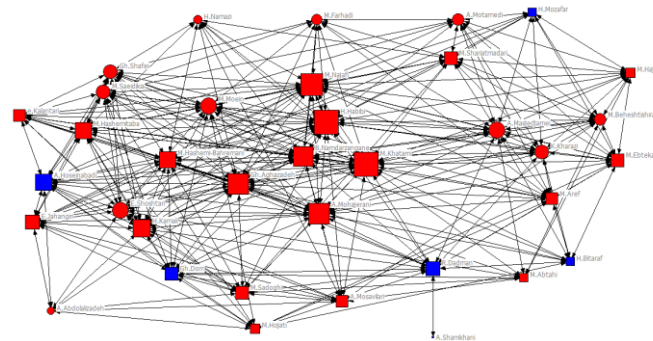
مقایسه گراف شبکه روابط دولت‌های هفتم تا دهم (گراف ۱ و ۲) اگرچه بیانگر میزان تمرکز بیشتر پیوندها در دولت‌های هفتم و هشتم و توزیع بیشتر روابط در دولت‌های نهم و دهم است اما تمرکز ارتباطات اعضای هیئت دولت‌ها در حول چند کنشگر مرکزی نشان‌دهنده آن است که در مجموع پیوندها از توزیع بالایی در شبکه روابط برخوردار نیستند.

<sup>۱</sup> تمامی اعضای کابینه دولت‌های هفتم تا دهم

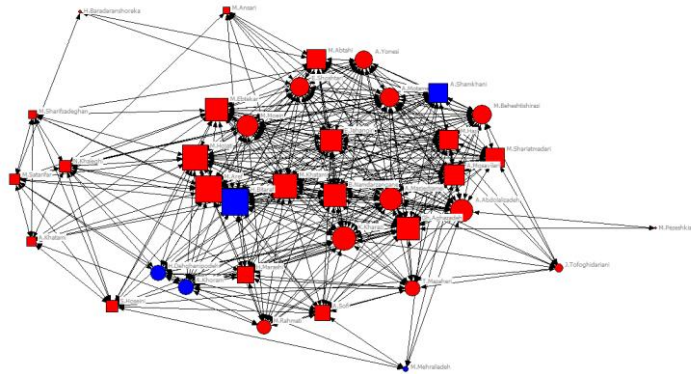
## دولت‌ها در گذر زمان: شکل‌گیری احزاب دولتی

تحلیل شاخص‌ها و گراف‌های شبکه روابط نخبگان سیاسی بیانگر روند تمرکزگرایی در ساختار شبکه روابط است. نتایج نشان می‌دهد که دولت‌ها در گذر زمان، در دولت‌های دوم متمرکزتر شده‌اند؛ شکل‌گیری هویت‌های سیاسی در میان اعضای دولت‌ها و حفظ موجودیت سیاسی از طریق ارتباطات بیشتر را می‌توان در زمره دلایل این موضوع برشمرد. بر این اساس می‌توان گفت با شکل‌گیری دولت‌ها و فعال شدن خرده هویت‌های کاری، منطقه‌ای و دانشگاهی، میزان ارتباطات بیشتر و قدرت در میان اعضای شبکه متمرکزتر می‌شود. این موضوع با تغییر موقعیت و جایگاه کنشگران مرکزی و بانفوذ در شبکه ارتباطات نیز همراه است. در روند این تمرکزگرایی، شاهد تقویت هویت‌های سیاسی حزبی و شکل‌گیری احزاب دولتی در دولت‌های دوم، نیز هستیم که نشان‌دهنده ضعف نهادهای مدنی و احزاب در میدان رقابت سیاسی در ایران است. مقایسه بین دولت‌ها نیز نتایج قابل تأملی دارد؛ درحالی‌که در ساختار شبکه روابط اعضای هیئت دولت هفتم به دلیل ائتلاف احزاب، بیشترین میزان شاخص تراکم به لحاظ روابط حزبی<sup>۱</sup> را شاهد هستیم، اما در دولت هشتم تشکیل حزب و سهم بیشتر اعضای کابینه از حزب دولتی جبهه مشارکت حاکی از شکل‌گیری هویت سیاسی حزبی در این دولت است.<sup>۲</sup> دولت نهم و دهم نیز اگرچه بیشترین میزان پراکندگی را به لحاظ روابط حزبی داشته‌اند که بیانگر پائین بودن درصد عضویت حزبی در شبکه روابط اعضای کابینه دولت‌های نهم و دهم است. اما ساختار شبکه روابط حزبی دولت دهم در مقایسه با دولت نهم از همبستگی و انسجام بیشتری برخوردار بوده است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> به ترتیب احزاب کارگزاران سازندگی، جمهوری اسلامی و روحانیت مبارز بیشترین سهم را در کابینه هفتم داشته‌اند.  
<sup>۲</sup> سهم حزب جبهه مشارکت از کرسی‌های سیاسی دولت بطور مشهودی بالا بوده است و پس از آن حزب کارگزاران سازندگی و روحانیت مبارز سهم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.  
<sup>۳</sup> ائتلاف آبادگران انقلاب اسلامی، جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی از جمله احزابی هستند که در دولت نهم سهمی در کابینه دولت به خود اختصاص داده‌اند. در دولت دهم روند تا حدودی متفاوت بوده و سهم مشارکت حزب رایحه خوش خدمت، جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی و ائتلاف آبادگران بیش از سایر احزاب بوده است.



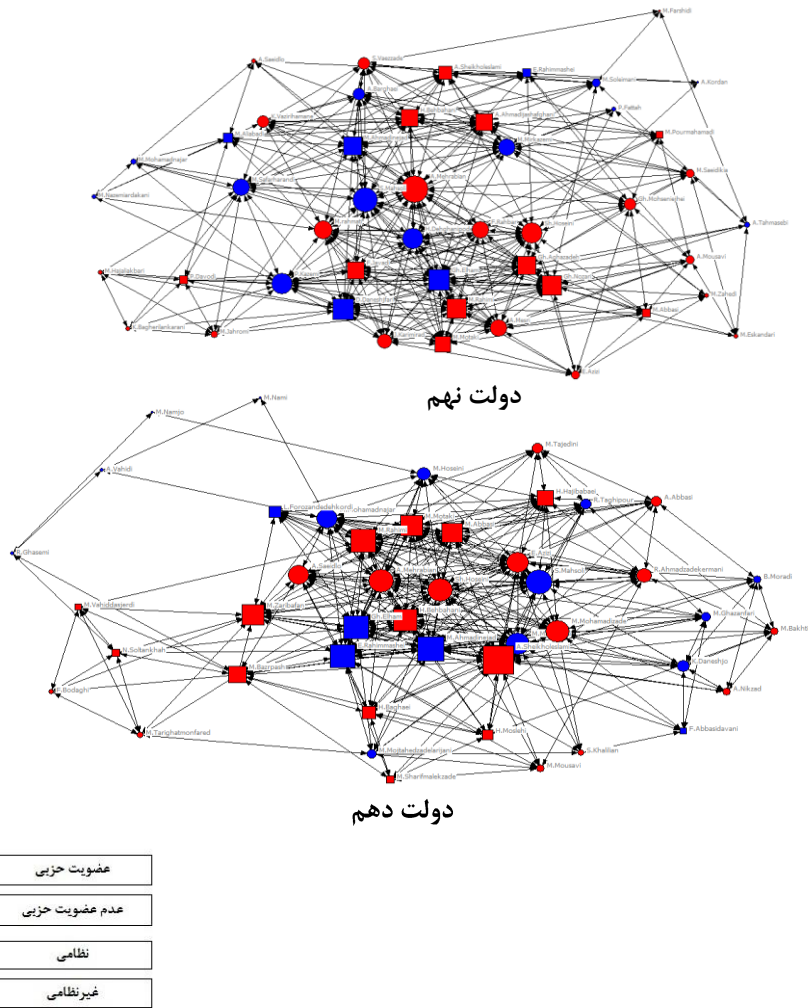
دولت هفتم



دولت هشتم

	عضویت حزبی
	عدم عضویت حزبی
	نظامی
	غیرنظامی

گراف ۱: ساختار شبکه روابط اعضای هیئت دولت‌های هفتم و هشتم



گراف ۲: ساختار شبکه روابط اعضای هیئت دولت‌های نهم و دهم

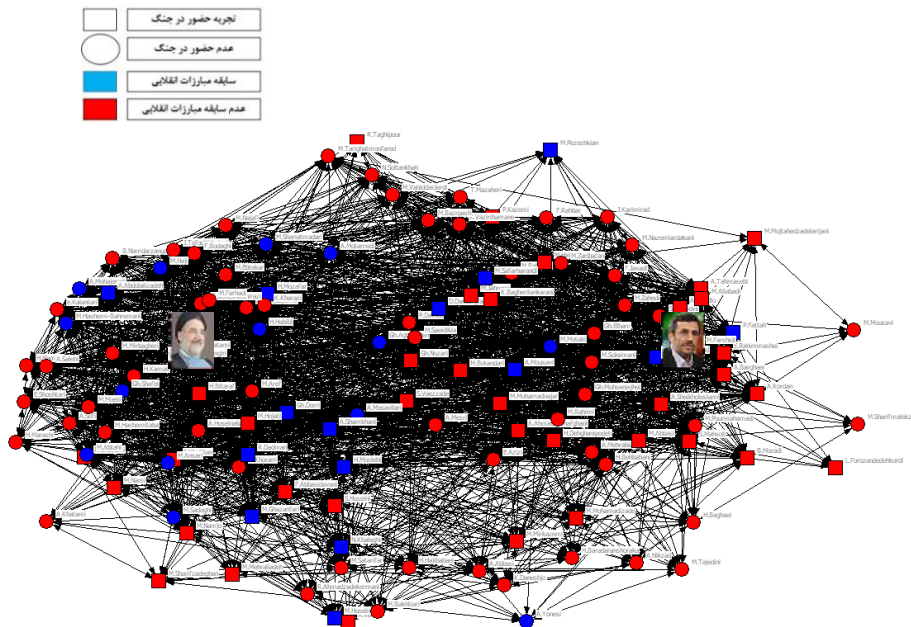
### طبقات و گروه‌های قدرتمند

نتایج مطالعه حاکی از آن است که روحانیون در دولت هفتم، سیاسیون در دولت هشتم، دانشگاهیان در دولت نهم و نظامیان در دولت دهم گروه‌های دارای بیشترین سهم در ساختار قدرت بوده‌اند. بررسی پیشینه شغلی نخبگان قدرت سیاسی نیز مؤید این موضوع است. همچنین به لحاظ سبقه

حزبی و نظامی، در حالیکه در شبکه روابط دولت‌های نهم و دهم بیشترین میزان حضور نظامیان را شاهد هستیم در شبکه روابط دولت‌های هفتم و هشتم، نسبت حضور نخبگان سیاسی با سابقه سیاسی و حزبی بیشتر است.

### شکل‌گیری ارتباطات: مبارزات انقلابی و جنگ

نتایج بدست آمده از این مطالعه و مطالعات تجربی بیانگر آن است که در ایران نهادهای مدنی و احزاب ضعیف هستند و در ضعف چنین نهادهایی، شبکه ارتباطات مبتنی بر روابط دوستی، کاری، خویشاوندی و خرده‌هویت‌ها بیش از مکانیسم‌های رسمی در دستیابی به قدرت نقش دارند. مطالعه بسترها و فرآیندهای تاریخی در ایران با تأکید بر دو واقعه مهم انقلاب و جنگ بیانگر آن است که این وقایع علاوه بر تعریف جدید از مرزهای میدان رقابت سیاسی، در شکل‌گیری شبکه روابط نخبگان قدرت سیاسی نیز تأثیرگذار بوده است. بررسی حضور در این وقایع به عنوان صفات مورد بررسی، حاکی از آن است که درصد بالایی از اعضای هیئت دولت‌های هفتم تا دهم سابقه مبارزات انقلابی و جنگ را داشته‌اند و سبقه‌آشنایی و شکل‌گیری ارتباطات ایشان به این دو رویداد بازمی‌گردد. اما گراف شبکه روابط نخبگان نشان‌دهنده آن است که یکی از عوامل تفاوت در میان دو دولت، میزان بیشتر حضور نخبگان سیاسی با تجربه مبارزات انقلابی در دولت‌های هفتم و هشتم و در مقابل تجربه بیشتر حضور در جنگ در میان نخبگان سیاسی دولت‌های نهم و دهم است (گراف ۳). این نقاط عطف ارتباطی در شکل‌گیری تجربه مشترک کاری نخبگان سیاسی نیز انعکاس داشته است؛ بر این اساس تجارب مشترک در عرصه مبارزات انقلابی و جنگ و گروه‌بندی‌های اجتماعی متأثر از این شرایط در تداوم ارتباطات در حوزه‌های کاری نیز مؤثر بوده است. اهمیت این موضوع در آن است که با توجه به داده‌های تحلیل شبکه، تجربه مشترک کاری در شبکه ارتباطات نخبگان قدرت سیاسی بیش از دیگر انواع ارتباطات در حضور در دولت‌ها نقش داشته است. البته در دولت نهم سابقه مشترک حضور در دانشگاه نیز از اهمیت بسزایی در ساخت شبکه روابط اعضای دولت نقش داشته است.



گراف ۳: ساختار شبکه روابط اعضای هیئت دولت هفتم تا دهم به تفکیک سابقه مبارزات انقلابی و تجربه حضور در جنگ

در بررسی همبستگی میان شبکه روابط کاری، دانشگاهی و حزبی اعضای هیئت دولت، نتایج نشان‌دهنده آن است که در دولت‌های هفتم و دهم میان روابط کاری با روابط دانشگاهی و حزبی اعضای هیئت دولت همبستگی معنادار وجود دارد بدان معنا که در الگوی ارتباطات میان کنشگران در شبکه روابط کاری، تحصیلی و حزبی در این دولت‌ها همانندی وجود داشته است. در دولت نهم همبستگی میان روابط کاری و دانشگاهی معنادار بوده است که به معنای همانندی الگوی روابط دانشگاهی اعضای هیئت دولت با الگوی روابط کاری است. در کل بر اساس شاخص همبستگی، ساختار شبکه روابط کاری و شبکه روابط حزبی، همبستگی معناداری داشته است (جدول ۳).

این همبستگی در انواع روابط، از یکسو حاکی از برقراری قاعده هموفیلی و یا همسان‌گزینی در شبکه روابط اعضای هیئت دولت در انواع تعاملات است و از سوی دیگر بیانگر افزایش فرصت و امکان استفاده از منابع نهفته در شبکه ارتباطات و شانس بیشتر افراد در دستیابی به موقعیت‌های بهتر است. بر این اساس می‌توان گفت در فقدان سازوکارهای رسمی، شناخت‌های بین فردی

و قواعد غیررسمی در دستیابی افراد به موقعیت‌های سیاسی اهمیت می‌یابد و افراد با قرارگیری در مشاغل، دانشگاه‌های و حلقه‌های خاص، شبکه‌ای از ارتباطات را شکل می‌دهند که در تحرک و ارتقای ایشان در پست‌های مهم سیاسی مؤثر است. نخبگان سیاسی همچنین با دستیابی به قدرت سیاسی از طریق تشکیل احزاب و ائتلاف‌های سیاسی، موجودیت‌های سیاسی‌شان را تقویت و حفظ می‌کنند.

جدول ۳: همبستگی شبکه روابط کاری، حزبی و دانشگاهی

شبکه روابط کاری کل	شبکه روابط کاری دولت دهم	شبکه روابط کاری دولت نهم	شبکه روابط کاری دولت هشتم	شبکه روابط کاری دولت هفتم	همبستگی پیرسون
۰.۱۸**	۰.۱۳**	۰.۰۱	۰.۰۵	۰.۲۳**	شبکه روابط حزبی
۰.۰۳	۰.۲۵**	۰.۱۲**	۰.۰۸	۰.۱۰*	شبکه روابط دانشگاهی

### نتیجه‌گیری

مدعای این پژوهش ناظر بر توزیع متراکم قدرت در شبکه روابط نخبگان سیاسی است. نتایج بیانگر آن است که توزیع قدرت در دولت، در ترکیب عاطفی بسترهای تاریخی، عاملیت کنشگران و شبکه روابط نخبگان سیاسی قابل فهم است. در ایران با وجود ساختارهای مدرن از جمله قانون اساسی و انتخابات اما سازوکارهای مدنی مانند احزاب و جامعه مدنی ضعیف هستند. در شرایط ضعف این نهادها و عدم شکل‌گیری هویت‌های بزرگ سیاسی، گروه‌های غیررسمی و خرده هویت‌ها فعال شده و شبکه‌های ارتباطاتی بر مبنای خرده هویت‌هایی همانند خرده هویت شغلی یا منطقه‌ای بیش از هویت‌های حزبی نقش می‌یابند و با گسترش ارتباطات و تماس‌ها، فرصت‌های دستیابی به قدرت و نفوذ و ورود به تشکیلات سیاسی نیازمند گسترش تماس‌ها با شخص یا اشخاص مهم می‌شود. فرآیندها و بسترهای تاریخی نیز با ایجاد فرصت‌های متفاوت در ترکیب شبکه‌های ارتباطی نقش‌آفرینی می‌کنند. از جمله در ایران، تجربه حضور در مبارزات انقلابی و جنگ نقاط عطف در شکل‌گیری شبکه روابط نخبگان سیاسی دولت‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله ارتباطات کاری و حزبی بوده است.

بررسی ساختار شبکه روابط دولت‌ها گواه تمرکز در شبکه روابط نخبگان سیاسی در تمامی دولت‌ها است. تراکم و همبستگی شبکه بیانگر آن است که آشنایی و وجود ارتباطات مشترک در حوزه‌های گوناگون نقش مهمی در تحرک سیاسی نخبگان و تراکم بیشتر قدرت داشته است. اما روند تمرکزگرایی در دولت‌ها گویای آن است که با شکل‌گیری حلقه‌های ارتباطی، میزان تمرکز در دولت‌ها افزایش می‌یابد. این روند را در ساختار شبکه روابط دولت‌های هشتم و دهم می‌توان مشاهده کرد؛ بخشی از این موضوع به دلیل شکل‌گیری هویت‌های سیاسی از جمله هویت حزبی درون دولت‌ها است که از شواهد دولتی بودن احزاب در ایران است. بخشی از تبیین این موضوع با ماهیت تکوین احزاب در ایران مرتبط است. بطور معمول شکل‌گیری احزاب از سوی نخبگان سیاسی و پس از کسب قدرت بوده است. به عبارت دیگر به جای تشکیل دولت‌های حزبی، احزاب دولتی در ایران شکل می‌گیرند. در مقایسه میان انواع ارتباطات، پیشینه روابط کاری مشترک و ارتباطات بر مبنای هویت شغلی، نقش مهمی در تداوم حلقه‌های ارتباطی داشته است. به لحاظ شبکه روابط دانشگاهی، دولت نهم و دهم به ترتیب بیشترین میزان تراکم را داشته‌اند. توزیع استانی در شبکه روابط نیز بیانگر ساختار ارتباطی متراکم‌تر در دولت‌های هفتم و هشتم است. به نظر می‌رسد هویت منطقه‌ای در دولت‌های هفتم و هشتم قوی‌تر بوده است و پراکندگی هویت قومی در دولت نهم بیش از سایر دولت‌ها بوده است، حال آنکه با تغییر کنشگران مرکزی و بانفوذ در دولت دهم، هویت منطقه‌ای در این دولت نیز پررنگ‌تر می‌شود. اما در مجموع ارتباطات در شبکه روابط نخبگان سیاسی بطور معمول حول محور چند کنشگر مرکزی انسجام یافته است و پیوندها از توزیع بالایی در شبکه روابط برخوردار نبوده است.

نکته مهم در یافته‌های پژوهش آن است که علیرغم ساختار منسجم و متراکم، ساخت شبکه روابط دولت‌های هفتم تا دهم، فضای دوقطبی در ساحت قدرت سیاسی در ایران را به تصویر می‌کشد. به عبارت دیگر با وجود آنکه تجانس و همسان‌گزینی در کل شبکه روابط بالا است اما ساختار شبکه دو گروه متجانس با تراکم بالا را از یکدیگر متمایز می‌سازد که با توجه به اینکه مبنای ارتباطات، خرده‌هویت‌ها هستند، می‌تواند منجر به عمیق‌تر شدن شکاف‌های اجتماعی شده و از طریق گروه‌بندی‌های اجتماعی، تحدید شانس‌های زندگی و دسترسی افراد جامعه به منابع و فرصت‌های ارزشمند و به تبع آن انسداد سیاسی و اجتماعی را به همراه داشته باشد.

همچنین باید توجه داشت انحصار ساختار قدرت و گفتمان حاکم، در تعارض با روند فزاینده تمایز اجتماعی و متکثر شدن جامعه است که علاوه بر آنکه می‌تواند انحصار و توزیع منابع ارزشمند

در دست گروه محدود و بسته‌تر شدن دایره قدرت را به همراه داشته باشد با افزودن بر شکاف‌های اجتماعی و نابرابری‌ها، سبب تشدید تعارضات و تنش‌های اجتماعی شود.

## منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶). ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب. تهران: نشر قومس.
- باتامور، تی‌بی (۱۳۶۹). *نخبگان و جامعه*، ترجمه علیرضا طیب. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- باستانی، سوسن؛ رئیسی، مهین (۱۳۹۰). «روش تحلیل شبکه: استفاده از رویکرد شبکه‌های کل در مطالعه اجتماعات متن باز». *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره پنجم، شماره ۲، ۳۱-۵۷.
- باستانی، سوسن؛ صالحی، مریم (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران». *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۰، ۶۳-۹۵.
- بروجردی، مهرزاد (۱۳۹۷). «۲۳۳۲ نفر: حلقه قدرت در جمهوری اسلامی». *رادیو زمانه*، تاریخ مراجعه به سایت ۲۳ مردادماه ۱۳۹۷، [www.radiozameh.com/407194](http://www.radiozameh.com/407194).
- بهشتی، مژگان (۱۳۹۱). «رابطه مرکزیت قدرت در شبکه‌های اجتماعی با انگیزش به کار در سازمان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۰). *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*. چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- عیوضی، محمدرحیم و ملیحه رضانی (۱۳۸۹). «بررسی پایگاه اجتماعی هیئت وزیران جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۸)». *راهبرد یاس*، ش ۲۴: ۴۳ - ۷۸.
- زونیس، ماروین (۱۳۸۷). *روانشناسی نخبگان سیاسی ایران*. ترجمه پرویز صالحی، سلیمان امین زاده و زهرا لبادی، تهران: انتشارات چاپخش.
- ساعی، علی (۱۳۷۷). «بررسی طبقه اجتماعی نمایندگان مجلس شورای اسلامی». *مجله مدرس علوم انسانی*، شماره ۸: ۶۳-۳۷.
- ساعی، علی (۱۴۰۰). *چرخش نخبگان قدرت در ایران (۱۳۵۷-۱۳۹۸)*. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- شجبعی، زهرا (۱۳۷۲). *نخبگان سیاسی ایران: از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی نمایندگان مجلس شورای ملی*. جلد اول، تهران: انتشارات سخن.
- شجبعی، زهرا (۱۳۸۳). *نخبگان سیاسی ایران: از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی نخست وزیران و وزیران در ایران*. جلد دوم، تهران: انتشارات سخن.
- فاضلی بیرجندی، محمود (۱۳۹۳). *از مهدی بازرگان تا حسن روحانی*. تهران: نشر پایان.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۶). *قدرت ارتباطات*، ترجمه حسین بصیریان جهرمی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- کوزر، لوئیس آلفرد (۱۳۸۳). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی*. محسن ثلاثی (مترجم)، تهران: انتشارات علمی.
- میلز، سیرایت (۱۳۸۳). *نخبگان قدرت*. حمید مولانا. انتشارات فرهنگ مکتوب.
- ندیمی، زهرا (۱۳۹۰). «بررسی ساختار نخبگان سیاسی ایران و ساختار چرخش آن بعد از انقلاب». رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.
- ندیمی، زهرا (۱۳۹۰). «تحرك شغلی مسئولان سیاسی ایران». مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۲: ۲۱۵-۱۸۵.
- نش، کیت (۱۳۹۳). *جامعه شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی شدن، سیاست، قدرت*. محمدتقی دلفروز (مترجم)، تهران انتشارات کویر.
- Boroujerdi, M. & Rahimkhani, K. (2018). *Postrevolutionary Iran: A political Handbook*. Syracuse University Press.
- Buchta, W. (2000). *Who rules Iran- The structure of power in Islamic Republic*. The Washington Institute for near east policy.
- DiMaggio, P. & Garip, F. (2012). "Network Effects and Social Inequality". *The Annual Review of Sociology*, No.38: 93-118.
- Domhoff, G. W. (2000). "Who Rules America? Power and Politics" [online]. Available from: <http://faculty.ccc.edu/aberger/Who%20Rules%20America.pdf>.
- Domhoff, G. W. (2005a). Basics of Studying Power[online]. Available from: [http://whorulesamerica.net/methods/studying\\_power.html](http://whorulesamerica.net/methods/studying_power.html), 2018.
- Domhoff, G. W. (2005b). Power Structure Research and the Hope for Democracy. Available from: [http://whorulesamerica.net/methods/power\\_structure\\_research.html](http://whorulesamerica.net/methods/power_structure_research.html). 2018.
- Erickson, B. H. (1997). "Social networks and History". *Historical methods: A journal of quantitative and interdisciplinary history*, Vol. 30, No.3; 149-157.
- Fisman, R.; Shi, J.; Wang, Y. and Wu, W. (2017). Connections and the Selection of China's Political Elite. Harvard China seminar [online], Available from: <https://sticerd.lse.ac.uk>.
- Granovetter, M. (1973). "The Strength of Weak Ties", *American Journal of Sociology*. Vol 78, Issue 6: 1360-1380.
- Granovetter, M. (1983). "The Strength of Weak Ties: A Network Theory Revisited" [online]. State University of New York, Stony Brook, Available from: [www.citeseerx.ist.psu.edu](http://www.citeseerx.ist.psu.edu).
- Kadushin, C. (2012). *Understanding Social Networks*. Published by Oxford University press.
- Keller, F. B. (2015). "Networks of Power: Using Social Network Analysis to understand who will rule and who is really in charge in the Chinese Communist Party". *Journal of East Asian Studies*; Vol. 16, No. 1; 17-41
- Knoke, D. (2003). *Political networks: the structural perspective*. Published by the Press Syndicate of the University of Cambridge.
- Kostiuchenko, T. (2011). "Central Actors and Groups in Political Elite: Advantages of Network Approach". *Polish Sociological Review*, 174: 195-204.
- Lin, N. (1999). "Social Networks and Status Attainment". *The Annual Review of Sociology*, Vol.25: 467-487.
- Lin, N. (2000). "Inequality in Social Capital". *Contemporary Sociology*, Vol.29, No.6: 785-795.

- Lin, N. (2004). *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*. Cambridge University Press.
- Lin, N. (2005). "A Network Theory of Social Capital". in *Handbook on Social Capital*, edited by Dario Castiglione, Oxford University Press.
- Pritchard, M. A. (2014). *Formal Systems and Informal Networks: Iranian Power Politics in Principle and Practice*. Master of Global Policy Studies, the University of Texas at Austin.
- Rakel E. P. (2008). *The Iranian Political Elite, State and Society Relations, and Foreign Relations since the Islamic Revolution*. Universities van Amsterdam.
- Vanhanen, T. (1997). *Prospects of Democracy. A Study of 172 Countries*. London and New York: Routledge.
- Wellman, B. (1983). "Network Analysis: Some Basic Principles". *Sociological Theory*, Vol.1: 155-200.